

روی زمین نشسته و با ضربات چوب باید به حرکت خود ادامه دهد و در همین حین آرام آرام چشمانش پر از اشک می‌شوند.

یا زاغچه‌ای که هم‌نوع مرده‌اش را با منقار لمس می‌کند، برایش علف می‌آورد، چند ثانیه به کندن بالهای خود و مویه کردن می‌پردازد و سپس با ناراحتی پرواز کرده و می‌رود یا پرنده‌ای منقار کوتاه که در زیرزمین می‌دود، جایی که صاحبش کشته شده، و در آنجا مثل یک مجسمه می‌ایستد. پرنده تا آن زمان هرگز در زیرزمین نبوده زیرا از پایین رفتن از پله‌ها می‌ترسیده است. یا سگی که جای خواب و غذایش را همیشه با دوست انسانش تقسیم می‌کرد، پس از مرگ صاحبش می‌میرد.

آیا حیوانات واقعا توانایی نتیجه‌گیری و جمع‌بندی و یا حقه‌زدن را دارند؟ آیا آنها درد و غم را احساس می‌کنند؟ آیا آنها از شوخی سرد می‌آورند؟ اصلا دنیای احساسات و تفکر آنها چقدر پیچیدگی دارد؟ گربه‌ها، سگ‌ها و دیگر حیوانات چقدر به ما شبیهند؟ اصلا آیا آنها همیشه شبیه ما بوده‌اند یا ما تازه متوجه این شباهتها شده‌ایم؟



خوشی و آرامش؟ چه چیزی این خوک را اینگونه شاد کرده است؟ رفتارشناس حیوانات، مارک بکف خوکها را بسیار زیبرک و احساساتی می‌نامد.

بیولوژیست و رفتارشناس، نوربرت ساکسر می‌گوید: ما جدیداً متوجه انقلابی در دنیای حیوانات شده‌ایم زیرا دیگر تردیدی وجود ندارد که تمام حیوانات مهره‌دار دارای احساسات هستند.

روی لبه پنجره دفتر این پروفیسور ۵۶ ساله که رئیس بخش رفتارشناسی دانشگاه ویلهلم مونستر است، یک تابلوی نقاشی متشکل از خط‌های رنگارنگ وجود دارد. شامپانزه‌ای به نام جولیا این نقاشی را حدود ۵۰ سال پیش کشیده و ساکسر در مورد او می‌گوید: همینجا بود که او این نقاشی را کشید.

در حال حاضر این پروفیسور در مورد خو کچه‌های هندی تحقیق می‌کند، که توانایی هایشان سالهاست بر انسان آشکار شده است. پروفیسور ساکسر می‌گوید: استرس برای آنها مانند حیوانات دیگر شناخته شده نیست. آنها به یکدیگر حمله نمی‌کنند بلکه همیشه گروه‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند و در همسایگی دیگران با کمال آرامش زندگی می‌کنند، یک نمونه رفتار اجتماعی مسحورکننده از حیوانات.

حیوانات نه تنها دارای احساساتی شبیه به انسان هستند، بلکه برخی از توانایی‌های انسان را در میزان پایین‌تر دارا هستند. بنابراین آیا نباید این سؤال برای انسانها پیش بیاید که توانایی انسان‌ها روی زمین در مقایسه با دیگر موجودات چقدر است و انسان چقدر در مقابل این رفتار مسئول است؟

در حوزه جوامع خانگی ظاهراً یک شراکت اجتماعی میان انسان و حیوان موفق بوده است، به طوری که بیشتر انسانها صاحب یک حیوان خانگی هستند. تنها در آلمان بیش از ۸ میلیون گربه، ۵ میلیون سگ، تقریباً ۶ میلیون حیوان کوچکتر مثل خوکچه هندی، همستر و خرگوش و ۳/۴ میلیون پرنده با انسانها

زندگی می‌کنند، چیزی که محقق انگلیسی در زمینه شامپانزه‌ها و سفیر صلح UN، جین گودال هم تأیید می‌کند. او در سن ۱۰ سالگی رابطه عاطفی خاصی با سگ دورگه بسیار باهوشش، روستی، داشت. می‌گوید: ما خانه و قلیمان را با سگم و سه گربه، دو تا خوک، یک همستر طلایی، یک قناری و دو لاک پشت تقسیم کرده بودیم. من از زندگی با آنها یاد گرفتم که حیوانات، بخصوص آنهايي که باهوشند، شخصیت‌های قوی و غیرقابل‌تغییری دارند و صاحب فهم و شعورند، چیزی که آنها را قادر می‌سازد تا حد خاصی قادر به تفکر منطقی بوده و احساس داشته باشند.

آیا حیوانات می‌توانند دارای شخصیت باشند؟ زیرا از علائم شخصیت، هوش و اراده و احساس، همچنین آگاهی و توانایی برقراری رابطه با دیگران است. امروزه دیگر دانشمندان نفی نمی‌کنند که برخی مهره‌داران دارای هوش و قوه درک احساسات هستند. وجود «آگاهی» نیز در برخی حیوانات ثابت شده است: میمون‌هایی که در آینه متوجه لکه‌های رنگی بر روی صورتشان می‌شدند که قبلاً به طور نامحسوس روی آنها ریخته شده بود، سعی می‌کردند که این لکه‌ها را از روی صورتشان پاک کنند. فیلها و دلفینها هم ظاهراً تصور

ذهنی از وجود فردی خودشان دارند.

در مورد سگها ثابت شده است که آنها قادر به شناختن خودشان از طریق حس بویایی هستند. بیولوژیست آمریکایی، مارک بکف، در نزدیکی آپارتمانش در کلرادو ۵ زمستان پشت سر هم برفهای آلوده به ادرار و مدفوع سگ خود، جتر و چند سگ دیگر را جمع‌آوری کرده و در مکانهای مختلف قرار داد. پس از آن با سگش از این محلها عبور کرد و متوجه شد که سگش فقط در مکانهایی شروع به بو کشیدن می‌کند که ادرار دیگر سگها واقع شده و از محلهای مربوط به ادرار خودش بی‌تفاوت رد می‌شود.

آخرین نشانه وجود شخصیت، توانایی برقراری ارتباط است. حیوانات قادر به صحبت کردن، به‌خصوص به مفهومی که ما انسانها می‌شناسیم، نیستند. اما آنها قادر به پیام‌گرفتن و پیام‌دادن به یکدیگر هستند. دوریت پترسن، رفتارشناس